



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوبه‌ها شیخ محمد صالح المنجد حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ مسائل مستحدثه (نویدها)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پرسش

نویسنده: علی راضی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۱۸

نظر علامه منصور هاشمی خراسانی در مورد اجاره دادن یا اجاره گرفتن رحم زنان، شبیه‌سازی انسان، خرید و فروش اسپرم مردان و لقاح مصنوعی چیست؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۲۱

هر چند عالمان مسلمان در پاسخ به این پرسش تنها به اصل اولی و شماری از عمومات و اطلاقات شرعی در باب نکاح و زنا نگریسته‌اند و به نگاهی بسیار سطحی و سهل‌اندیشانه درباره‌ی آن بسنده کرده‌اند، نگرش علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی به آن نگرش خاص و عمیقی است که از آشنایی فوق‌العاده‌ی آن جناب با روح اسلام و مقاصد شریعت و مصالح عالی‌ه‌ی احکام و قرار داشتن ایشان در یک افق علمی و معرفتی برتر برخاسته است. از نظر این عالم راستین، فرایند طبیعی تناسل و توالد، آفرینش خداوند حکیم و سنتی از سنت‌های اوست که بر بنیاد حکمت و رحمت او استوار شده و تأمین‌کننده‌ی مصلحت حقیقی انسان و جهان است؛ چنانکه فرموده است: «فَأَتَوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»؛ «پس بر آن زنان درآید به آن صورت که خداوند شما را امر کرده است» و فرموده است: «يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَّا لَهُ لِمَنْ يَشَاءُ الدُّكُورَ ۚ أَوْ يَزُوجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَّا لَوَجَّعُ لِمَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»؛ «هر چیزی که می‌خواهد می‌آفریند، هر کس را می‌خواهد دختر می‌بخشد و هر کس را می‌خواهد پسر می‌بخشد یا پسر و دختر را برایشان جفت می‌کند و هر کس را می‌خواهد نازا می‌سازد، هرآینه او دانایی قدرتمند است»، اگرچه گاهی این فرایند طبیعی، از نگاه قاصر و مقصر برخی بندگان کوتاه‌بین، تأمین‌کننده‌ی مصلحت و موافق با اهواءشان نباشد؛ چنانکه

۱. البقرة / ۲۲۲

۲. الشوری / ۴۹ و ۵۰

فرموده است: **«وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»**^۱؛ «و چه بسا چیزی را کراهت دارید در حالی که آن خیری برای شماست و چه بسا چیزی را دوست دارید در حالی که آن شری برای شماست و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید». با این وصف، بر بندگان خداوند واجب است که تسلیم سنت‌های او و راضی به قضای او باشند و از معارضه با او در تدبیرش و اخلال در نظم طبیعت و دخالت در فرایند طبیعی تناسل و توالد بپرهیزند؛ چراکه هر گونه دخالت سودجویانه و زیاده‌خواهانه در فرایند طبیعی تناسل و توالد، تغییر دهنده‌ی آفرینش خداوند و بر هم زنده‌ی نظم و توازن طبیعت است و در عین حال، باب مفسد عظیمی را به روی آیندگان می‌گشاید و در درازمدت تبعات خطرناک و زیان‌باری برای فرد و جامعه خواهد داشت. از این رو، شیطان واداشتن انسان‌ها به چنین کاری را یکی از اهداف خود ذکر کرده و گفته است: **«وَلَأْمُرَنَّهُمْ فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ»**^۲؛ «و هرآینه آنان را امر می‌کنم، پس آفرینش خداوند را تغییر می‌دهند»؛ به این معنا که اشکال فطری و طبیعی خلقت خداوند که بر بنیاد حکمتی بسیار عمیق و متناسب با همه‌ی ابعاد و جوانب هستی است را به طمع منافع شخصی کوتاه‌مدت و با سوء استفاده از دانش و ابزارهایی که خداوند به آنان بخشیده است، دگرگون می‌سازند.

بر این اساس، اخلال در نظام فطری تناسل و توالد و تغییر فرایند طبیعی آن با اقداماتی مانند اجاره‌ی رحم زنان، شبیه‌سازی انسان، خرید و فروش اسپرم مردان و لقاح مصنوعی، تحقق وعده‌ی **«فَلْيَغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ»** و مصداق بارز **«مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»** است که توسط **«عَدُوِّ مَبِينٍ»** زینت داده شده و توسط فرزندانش در غرب برای نابودی نسل انسان‌ها و مشارکت در اولاد آنان در حال ترویج و جهانی‌سازی است. از این رو، حضرت علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی ضمن افشای ماهیت خبیث و اهداف ضدّ خدایی این کارهای شیطانی، آن‌ها را حرام می‌شمارد و به سختی از آن‌ها برحذر می‌دارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ عَنِ الْمَرْأَةِ تُؤَجِّرُ رَحِمَهَا مِنْ زَوْجَيْنِ لَا يُوَلِّدُ لَهُمَا، فَتُنَبِّتُ مَاءَهُمَا أَوْ جَنِينَهُمَا، فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ، لَا يُشَارِكُ فِي أَوْلَادِ النَّاسِ إِلَّا الشَّيْطَانُ، أَمَا سَمِعْتَ قَوْلَهُ تَعَالَى: «وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»؟!»^۳؛ «از منصور درباره‌ی زنی پرسیدم که رحم خود را به زن و شوهری اجاره می‌دهد که صاحب فرزند نمی‌شوند، پس آب آن دو یا جنین آن دو را (در رحم خود) پرورش می‌دهد، فرمود: نه به خدا سوگند، در اولاد مردم مشارکت نمی‌کند مگر شیطان. آیا سخن خداوند بلندمرتبه را نشنیده‌ای که (به او) می‌فرماید:

۱. البقرة / ۲۱۶

۲. النساء / ۱۱۹

۳. الإسراء / ۶۴

۴. گفتار ۶۶، فقره‌ی ۲

<با آنان در اموال و اولاد مشارکت کن؟!>.

همچنانکه یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْعَالِمَ يَقُولُ: مَنْ اسْتَأْجَرَ امْرَأَةً لِرَحِمِهَا فَإِنَّمَا اسْتَأْجَرَ شَيْطَانَهُ، وَلَا يُوَلَّدُ مِنَ الشَّيْطَانَةِ إِلَّا شَيْطَانٌ»^۱؛ «شنیدم عالم می‌فرماید: هر کس زنی را برای رحمش اجاره کند، جز این نیست که شیطان مؤثی را اجاره کرده است و از شیطان مؤثت جز شیطان متولد نمی‌شود».

همچنانکه یکی دیگر از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ وَعِنْدَهُ عَيْسَى بْنُ عَبْدِ الْحَمِيدِ: لَعَنَ اللَّهُ مُوجِرَ الْأَرْحَامِ وَمُسْتَأْجِرَهَا! أَلَا وَاللَّهِ لَوْ كَانَ لِي أَمْرٌ لَجَلَدْتُهِمَا أَوْ عَذَّبْتُهِمَا عَذَابًا شَدِيدًا! فَلَمَّا حَرَجَ قُلْتُ لِعَيْسَى: مَا أَرَادَ بِالْعَذَابِ الشَّدِيدِ؟ قَالَ: أَرَادَ حَدَّ الْمُحَارَبَةِ لِأَنَّهُمَا أَفْسَدَا فِي الْأَرْضِ»^۲؛ «شنیدم منصور در حالی که عیسی بن عبد الحمید نزد او بود می‌فرماید: خداوند اجاره دهنده‌ی رحم‌ها و اجاره گیرنده‌ی آن‌ها را لعنت کند! آگاه باشید که به خدا سوگند اگر برای من سلطه‌ای بود هرآینه آن دو را تازیانه می‌زدم یا عذابی سخت می‌رساندم! پس چون آن جناب بیرون رفت به عیسی گفتم: مراد آن جناب از عذاب سخت چه بود؟ گفت: مرادش حدّ محاربه بود؛ چراکه آن دو در زمین افساد کرده‌اند.

بدون شک این افق برتری از علم است که کسی جز این انسان بزرگ به آن دست نیافته و با این وصف، شایسته است که به اعلیّت او و اتصال قلبش به منبع فیض اقرار شود. وانگهی از نظر این بزرگوار، مادر انسان کسی است که او را در رحم خود پرورانده و به دنیا آورده است؛ چنانکه خداوند در کتاب خود به روشنی فرموده است: ﴿يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ﴾^۳؛ «شما را در شکم‌های مادرانتان می‌آفریند آفرینشی پس از آفرینشی دیگر در تاریکی‌هایی سه‌لایه» و فرموده است: ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾^۴؛ «او به شما داناتر است هنگامی که شما را از زمین پدید آورد و هنگامی که جنین‌هایی در شکم‌های مادرانتان بودید» و فرموده است: ﴿وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ﴾^۵؛ «و خداوند شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد» و فرموده است: ﴿إِنَّ أُمَّهَاتِهِمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ﴾^۶؛ «مادران آنان جز کسانی که آنان را زاییده‌اند نیستند» و با این وصف، زنی که تخمک او در رحم زن دیگر

۱. گفتار ۶۶، فقره‌ی ۳

۲. گفتار ۶۶، فقره‌ی ۴

۳. الزمر / ۶

۴. النجم / ۳۲

۵. النحل / ۷۸

۶. المجادلة / ۲

قرار داده شده است، شرعاً مادر نمی‌شود، هر چند امکان نکاح با پسر زن دیگر که از تخمک او پدید آمده است را نیز ندارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«ذَكَرَ عِنْدَ الْمَنْصُورِ إِجَارَةَ الْأَرْحَامِ فَقَالَ: لَا تَحْمِلُ الْمَرْأَةُ فِي بَطْنِهَا إِلَّا وَلَدَهَا وَلَا تَصْعُقُ إِلَّا وَلَدَهَا! قُلْتُ: فَمَا لِصَاحِبَةِ الْمَاءِ؟! فَأَخَذَ بِيَدِهِ كَفًّا مِنَ التُّرَابِ وَقَالَ: هَذَا! قُلْتُ: فَهَلْ لَهَا أَنْ تَتَّكِحَ ذَلِكَ الْوَلَدَ؟ قَالَ: لَيْسَ لَهَا إِلَّا هَذَا - وَأَشَارَ إِلَى التُّرَابِ»^۱؛ «نزد منصور از اجاره‌ی رحم‌ها یاد شد، پس فرمود: زن جز فرزندش را در شکم خود حمل نمی‌کند و جز فرزندش را نمی‌زاید! گفتم: در این صورت برای زن صاحب آب چیست؟! پس با دست خود مستی خاک را برگرفت و فرمود: این! گفتم: با این وصف، آیا برای او این امکان هست که (در آینده) با آن فرزند نکاح کند؟ فرمود: برای او جز این نیست - و به خاک اشاره فرمود!».

همچنین، مردی که نطفه‌ی او در رحم زنی جز همسرش قرار گرفته است، شرعاً پدر نمی‌شود، هر چند امکان نکاح با دختر زن دیگر که از نطفه‌ی او پدید آمده است را نیز ندارد؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَأْجِرُ رَحِمًا لَا يَجِلُّ لَهُ فَيُفْرِغُ فِيهِ مَاءَهُ وَمَاءَ امْرَأَتِهِ فَيَخْرُجُ وَلَدٌ، لِمَنْ يَكُونُ الْوَلَدُ؟ قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَأَنَّ الْوَلَدَ لِلْفِرَاشِ! قُلْتُ: كَيْفَ وَيَكُونُ الْمَاءُ لِلْمُسْتَأْجِرِ؟! قَالَ: هَكَذَا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ! قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِلرَّحِمِ فِرَاشٌ فَلِمَنْ يَكُونُ الْوَلَدُ؟ قَالَ: لِلشَّيْطَانِ»^۲؛ «از آن جناب درباره‌ی مردی پرسیدم که رحم (زنی) جز همسرش که برای او حلال نیست را اجاره می‌کند، پس آب خود و آب همسرش را در آن می‌ریزد، پس فرزندی بیرون می‌آید، فرزند برای کیست؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فیصله کرد که فرزند برای فراش (یعنی شوهر زن اجاره دهنده) است! گفتم: چگونه؟ در حالی که آب برای اجاره کننده است! فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این گونه فیصله کرد! گفتم: پس اگر برای رحم فراشی (یعنی شوهری) نباشد، فرزند برای کیست؟ فرمود: برای شیطان!».

همچنین، از نظر این بزرگوار، شبیه‌سازی انسان و پدید آوردن او در ظروف آزمایشگاهی از کارهای دجال و آثار تمدن شیطانی جدید با هدف تغییر خلقت و نقض قوانین خداوند و معارضه با علم و قدرت اوست؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ يَقُولُ: إِنَّ الدَّجَالَ ذُو عَيْنٍ وَاحِدَةٍ يَنْظُرُ بِهَا إِلَى مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا»

۱. گفتار ۶۷، فقره‌ی ۱
۲. گفتار ۶۷، فقره‌ی ۲

لَا يَكَادُ يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ يَزْعُمُ النَّاسُ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، فَيُحْيِي الْمَوْتَى وَيُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَيُنَبِّئُ بِمَا فِي الْأَرْحَامِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَيَعْرُجُ فِي السَّمَاءِ وَيَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَيَخْلُقُ الْإِنْسَانَ فِي قَارُورَةٍ كَمَا يَخْلُقُهُ اللَّهُ فِي الْأَرْحَامِ وَيَسِيرُ كَمَا يَسِيرُ الرِّيحُ الصَّرْصَرُ يَمْلِكُ الْمَالَ وَالْمَكِنَّةَ فَلَا يُعْطِيهِمَا إِلَّا مَنْ عَبَدَهُ وَهُمْ الْيَهُودُ ثُمَّ النَّصَارَى ثُمَّ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، يَنْزِلُ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ! فَسَكَتَ فَرَأَيْنَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ وَكَأَنَّ عَلَى رُؤُوسِنَا الطَّيْرَ فَقَالَ: أَنَا أَنْبَأُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ، إِنَّهُ الْحَدَاثَةُ!؛ «شنیدم منصور می فرماید: هرآینه دجال دارای یک چشم است که با آن به مشرق‌ها و مغرب‌های زمین می‌نگرد و نزدیک است که چیزی از آن پنهان نماند، مردم می‌پندارند که او بر هر کاری تواناست، پس مردگان را زنده می‌کند و نابینا و پیس را درمان می‌نماید و از چیزی که در رحم‌هاست خبر می‌دهد و باران را نازل می‌کند و در زمین فرو می‌رود و به آسمان بالا می‌شود و گنج‌ها را بیرون می‌کشد و انسان را در یک شیشه می‌آفریند چونانکه خداوند در رحم‌ها می‌آفریند و مانند تندباد حرکت می‌کند، ثروت و قدرت را تصاحب می‌نماید، پس آن دو را نمی‌دهد مگر به کسانی که او را می‌پرستند و آنان یهودی‌ها و سپس مسیحی‌ها و سپس کسانی از مسلمانان هستند که تابع آنانند، در بیت المقدس منزل می‌کند! پس آن جناب ساکت شد و ما را دید که (با تعجب) به او می‌نگریم چنانکه گویی بر سرهایمان پرنده نشسته است، پس فرمود: من شما را از تأویل آن خبر می‌دهم؛ آن مدرنیته است!».



تعليقات

پرسش‌ها و پاسخ‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۲۲

نویسنده: علی راضی

پرسش فرعی ۱

برخی از فقهای که حکم به جایز بودن اجاره دادن رحم داده‌اند استدلال‌های مختلفی داشته‌اند از جمله:

۱. زنی که رحم خود را اجاره داده حکم مادر را دارد چون از او نگهداری کرده است، مثل زنی که به بچه‌ای شیر می‌دهد و به او محرم می‌شود و مادر رضاعی می‌شود، با این تفاوت که اولی به آن فرزند در داخل رحمش غذا می‌دهد و از آن طفل نگهداری می‌کند و دومی از شیر سینه‌اش به آن طفل غذا می‌دهد و از آن طفل نگهداری می‌کند. با این حال هیچ کدام مادر اصلی نیستند،

۱. گفتار ۱۱۷، فقه‌ی ۵

بلکه مادر اصلی کسی است که جنین مربوط به او بوده است.

۲. استدلال دیگر این است که اگر زنی قادر به ایجاد جنین باشد ولی به دلیل بیماری در رحم قادر به نگهداری فرزند تا تولد نباشد می‌تواند آن را با رضایت همسر در رحم زن دیگری قرار دهد تا او تا زمان تولد از او نگهداری کند. همچنان که اگر زنی معلول باشد و فرزندش به دنیا آورد، ناچار است برای نگهداری از فرزندش دایه‌ای استخدام کند که به او شیر دهد و از او نگهداری کند.

۳. استدلال دیگر آن است که چون این موارد در شرایط اضطرار اتفاق می‌افتد چاره‌ای جز آن وجود ندارد؛ زیرا ممکن است مردی که همسرش نمی‌تواند فرزند را در رحمش نگهداری کند و او طالب فرزند است، همسرش را طلاق داده و یا ترک کرده و همسر دیگری بگیرد و این موضوع منجر به فروپاشی خانواده شود. برخی از فقها هم گفته‌اند اگر انتقال جنین به رحم زن دیگر همراه با نگاه و لمس و گناه نباشد در شرایط اضطرار جایز است.

۴. برخی هم گفته‌اند اگر زنی که رحم خود را برای نگهداری جنین زن و مردی دیگر اجاره می‌دهد مجرد باشد و در مدت انتقال جنین تا تولد فرزند به نکاح موقت مرد درآمده باشد در این صورت اشکالی وجود ندارد و جایز است.

با توجه به اینکه حکم حضرت علامه خراسانی بر عدم مجاز بودن این موضوع است می‌خواستم استدلال‌های ایشان در رد موارد فوق را هم به تفکیک بدانم.

پاسخ به پرسش فرعی ۱

تاریخ: ۱۳۹۵/۱/۲۵

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. قیاس زنی که نطفه یا جنین دیگران را در رحم خود پرورش داده با زنی که به کودک دیگران شیر داده، قیاس مع الفارق است، بل مصداق بارز قیاسی است که جایی در اسلام ندارد و مورد نهی شدید سلف صالح قرار گرفته است؛ زیرا شیر دادن زن به کودک دیگران عملی طبیعی است که در مشروعیت آن تردیدی نیست، ولی پرورش دادن نطفه یا جنین دیگران در رحم خود عملی غیر طبیعی است که در مشروعیت آن تردید جدی وجود دارد و با این وصف، نمی‌توان گفت زن همان طور که با شیر دادن به کودک دیگران مادر رضاعی می‌شود، با پرورش دادن نطفه یا جنین دیگران در رحم خود مادر رحمی می‌شود، مگر بنا بر مبنای اصحاب رأی که ممکن است در فرضی بعید، چنین قیاسی را معتبر بدانند. آری، زنی که نطفه یا جنینی را در رحم خود پرورش داده و به صورت کودکی متولد ساخته است، بنا بر ظاهر کتاب خداوند و نه بنا بر قیاس، مادر شمرده می‌شود،



ولی زنی که تخمک او در رحم زن دیگر قرار گرفته است، مادر شمرده نمی‌شود؛ چراکه از یک سو بر خلاف ظاهر کتاب خداوند است و از سوی دیگر قیاس زن صاحب رحم با زن شیرده -حتی اگر معتبر باشد- مادر شدن زن صاحب تخمک را ثابت نمی‌کند، بل مادر شدن زن صاحب رحم را ثابت می‌کند که با زن صاحب تخمک قابل قیاس نیست. آری، زن صاحب تخمک، تنها با مرد صاحب نطفه قابل قیاس است که آن را بدون عقد نکاح در رحم زنی داخل کرده است و تبعاً به سبب آن، پدر شمرده نمی‌شود؛ زیرا بنا بر قاعده‌ی فراش که سنت متواتر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، کودک برای شوهر زن صاحب رحم است، اگرچه واقعاً از نطفه‌ی او نباشد و با این وصف، زن صاحب تخمک به طریق اولی مادر شمرده نمی‌شود؛ زیرا وقتی مرد به سبب داخل کردن نطفه‌ی خود در رحم اجنبی پدر شمرده نمی‌شود، به طریق اولی زن به سبب داخل کردن تخمک خود در رحم اجنبی مادر شمرده نمی‌شود؛ با توجه به اینکه عمل مذکور برای مرد حرام ولی طبیعی و برای زن حرام و غیر طبیعی است و با این وصف، به طریق اولی اثر شرعی ندارد.

۲. قیاس زنی که نطفه یا جنین دیگران را در رحم خود پرورش داده با زنی که به عنوان دایه از کودک دیگران نگهداری کرده، از قیاس پیشین فاسدتر و عقیم‌تر است، بل گونه‌ای سفسطه و تحکم به نظر می‌رسد که از بی‌پروایی در استنباط احکام برخاسته است؛ چراکه محل نزاع جواز مشارکت بیگانه در پیدایش کودک است، نه جواز مشارکت بیگانه در پرورش کودک پیدایش یافته و واضح است که قیاس این دو با یکدیگر قیاس مع الفارق است.

۳. در فرض مذکور هیچ اضطرار عقلی یا شرعی وجود ندارد؛ زیرا اضطرار عقلی، توقف حیات کسی بر عملی غیر مشروع است و اضطرار شرعی، توقف خودداری از حرام اهم بر ارتکاب حرام مهم است که هیچ یک در فرض مذکور وجود ندارد؛ با توجه به اینکه طلاق دادن همسر نه به معنای زوال حیات است و نه به معنای ارتکاب حرام و با این وصف، ادعای آنکه عمل مورد بحث به اقتضای اضطرار جایز است، محض مکابره است.

۴. اشکال عمل مورد بحث، تنها از ناحیه‌ی مرد و از جهت عدم زوجیت او با زن صاحب رحم نیست تا از طریق نکاح او با زن صاحب رحم برطرف شود، بل از ناحیه‌ی زن صاحب تخمک و از جهت عدم جواز تغییر آفرینش خداوند نیز است که از طریق نکاح مرد با زن صاحب رحم برطرف نمی‌شود؛ زیرا از یک سو داخل کردن تخمک زن صاحب تخمک به رحم زن صاحب رحم مانند داخل کردن نطفه‌ی مرد به رحم زن اجنبی حرام است، بلکه چه بسا حرمت شدیدتری دارد و از سوی دیگر داخل کردن تخمک یا جنین زنی در رحم زنی دیگر تغییر آفرینش خداوند با تغییر نظام طبیعی تناسل و توالد شمرده می‌شود که مطلقاً جایز نیست، اگرچه زن صاحب رحم همسر دیگر مرد باشد.

متأسفانه به نظر می‌رسد که برخی عالمان به صورت سفارشی و برای راضی کردن برخی افراد یا گروه‌ها یا حاکمان فتوا می‌دهند؛ به این ترتیب که برخی افراد یا گروه‌ها یا حاکمان برای توجیه و ترویج کارهای غیر شرعی خود به مجوزهای شرعی نیاز دارند و اینان نیز مجوزهای شرعی را برای آنان صادر می‌کنند و با این شیوه، به جای آنکه خواهش‌های آنان را با دین خداوند هماهنگ سازند، دین خداوند را با خواهش‌های آنان هماهنگ می‌سازند! این گروه از عالمان که غالباً با کمک همین افراد، گروه‌ها و حاکمان به شهرت و اعتبار دست یافته‌اند، نخست کاری که از نظر این ولی‌نعمت‌های‌شان مشروع شمرده می‌شود را مشروع فرض می‌کنند و سپس خود را به هر سو می‌زنند تا با هر تکلف و زحمت ممکن برای آن حیلتی شرعی دست و پا کنند! این است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی - این عالم آزاده، شجاع و صدیق - عالمان وابسته به افراد، گروه‌ها و حاکمان را برای مردم از گرگ‌های گرسنه برای گله‌ی گوسفندان خطرناک‌تر می‌داند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَمِعْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ يَقُولُ: مَا ذُبَّانِ صَارِيَانِ فِي غَنَمٍ قَدْ غَابَ عَنْهَا رَاعِيهَا أَحَدُهُمَا فِي أُولَاهَا وَالْآخَرُ فِي آخِرِهَا يَمْرُقَانِ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ بِأَصْرٍ فِي قَوْمٍ مِنْ عَالِمِينَ أَحَدُهُمَا يَتَّبِعُ السُّلْطَانَ وَالْآخَرُ يَتَّبِعُ السُّوقَ»؛ «شنیدم منصور هاشمی خراسانی می‌فرماید: دو گرگ درنده در گله‌ای که چوپان آن غایب است، در حالی که یکی در جلوی آن و دیگری در عقب آن است و از هر طرف پاره می‌کنند، زیان‌بارتر از دو عالم در قومی نیستند که یکی از آن دو از حاکم و دیگری از بازار (یا کوچه) پیروی می‌کند!».

* برای آگاهی بیشتر، به متن عربی مراجعه کنید.



بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی
مجلس شورای اسلامی ایران



۱. گفتار ۷۳

www.alkhorasani.com

بایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.